



رانندگانی که نماز مردم را قضا می کنند!

■ **معصومه طاهری**

همین چند وقت پیش بود که حجت‌الاسلام قرآنی از بدی اوضاع نماز جماعت در کشور گلایه داشت و می گفت: «ما گاهی وقت‌ها دل‌مان را خوش می‌کنیم مسجد دانشگاه هنگام نماز پر می‌شود، دو هزار نفر برای نماز به مسجد دانشگاه می‌آیند، اما دانشگاه ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد؛ یعنی ۲۸ هزار نفر به صورت فردی نماز می‌خوانند؟ یا مثلاً مسجد بازار پر می‌شود، خب بازار ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، حالا ۵ هزار نفر برای نماز به مسجد می‌آیند، ۴۹۵ هزار نفر دیگر نماز را به صورت فردی می‌خوانند؟ در جاهایی که مردم در بن‌بست قرار می‌گیرند، مثلاً فرض کنید، اتوبوس از تفلز به سمت تهران حرکت می‌کند، ۱۰ دقیقه‌مانده به ظهر می‌آید و غروب هم به تهران می‌رسد. اتوبوس که متوقف شود از مسافران این اتوبوس چند نفر نماز می‌خوانند؟ وضع نماز در کشور بد است.» متأسفانه با وجود این که نماز پایه و اساس دین است و انتظار می‌رود تا در جامعه اسلامی به آن بهای بیشتری داده شود گاه شاهد هستیم که نسبت به انجام این فریضه واجب، کوتاهی و اهمال می‌گردد. این مسئله به خصوص در برخی جاهای نمود بیشتری دارد که از آن جمله می‌توان به اتوبوس‌های بین شهری اشاره کرد؛ هر چند رانندگان اتوبوس‌ها موظف هستند تا موقع نماز بین راه توقف کوتاهی داشته باشند اما در اغلب موارد ترجیح می‌دهند مسافران وقتی برای نماز پیاده شوند که به مقصد رسیده باشند، به خصوص نماز صبح که حتی برای عده‌ای قضای آن هم عادی شده است.

چند روز پیش که برای سفری کاری به تهران رفته بودم، موقع نماز صبح راننده نگه نداشت. یک ربع گذشت بعد مسافری که اصلاً از قیافه ظاهری او به نظر نمی‌آمد اهل نماز باشد چه رسد به نماز اول وقت آن هم نماز صبح، از راننده خواست تا برای نماز جلوی نمازخانه بین راهی توقف کند. رانند با لحن تندّی گفت تا یک ساعت دیگر تهرانی‌م، بروید در ترمینال نماز بخوانید. اما آن مرد معترض شد که نماز ما قضا می‌شود، حالا نیم ساعت دیر تر به سیم اشکالی ندارد. پشت سر او، دو سه نفر دیگر از مسافران هم اعتراض کردند که برای نماز توقف داشته باشیم و راننده با اِکراه جلوی ایست و بازرسی مسافران در آن صبح سرد پاییزی پیاده شدند تا نماز بخوانند اما متأسفانه اغلب مسافران اتوبوس ۴۰ نفری در خواب بودند و هر چه آن آقای مسافر می گفت وقت نماز صبح رسیده است، توجه نکردند؛ خلاصه آن روز ساعت هفت

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس:

جریان‌سازی فرهنگی نیاز به افزایش بودجه دارد

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی جریان‌سازی فرهنگی در جامعه را نیازمند نظارت جدی بر اجرائی قوانین، بسترسازی لازم برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی با اهرم‌هایی چون افزایش بودجه، تأمین امکانات مناسب و استفاده از افراد خیره و نخبه در این حوزه دانست.

لاله افتخاری روز گذشته در گفت‌وگو با ایرنا با بیان آنکه در حوزه جریان‌سازی فرهنگی اقدام چندانی انجام نگرفته است، افزود: حضور افراد نخبه و خیره در صدر فعالیت‌های فرهنگی، چشم‌اندازهای این عرصه را قابل دسترس می‌سازد. وی با اشاره به فرامیاش رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه فرهنگ نباید ذیل فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی قرار گیرد، بلکه جایگاه واقعی آن بر پام فعالیت‌های عمومی و جاری در جامعه است، افزود: در مورد تحقق این امر، باید ادعان داشت که در حوزه فرهنگ و محورهای مختلف آن به ویژه در بحث جریان‌سازی، کم کاری صورت گرفته است. وی ادامه داد: مهم‌ترین علت به وجود آمدن این آسیب، متوجه این نکته است که در حوزه سیاستگذاری و قانونگذاری فرهنگی، اقدامات به شکل مطلوب انجام نشده و در حقیقت در محبت پیوست فرهنگی از حوزه قانونگذاری تا سیاست اجرایی قوانین، دارای آسیب‌ها و نقض‌هایی هستیم. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، دوره کوتاه دولت‌ها و مدیران را از مهم‌ترین دلایل

شکل‌گیری این آسیب‌ها دانست و تصریح کرد، محور بعدی فعالیت‌ها برای بر جسته‌سازی اقدامات فرهنگی، متوجه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظارت این دستگاه مهم فرهنگی بر اقدامات و مصوبات اجرایی خود است. افتخاری، کم توجهی به فرهنگ حجاب و عفاف در ترویج زندگی بر اساس آموزه‌های قرآنی را از جمله آسیب فعالیت‌های فرهنگی در حوزه سیاستگذاری و اجرایی دانست و افزود: رهبر معظم انقلاب بارها بر این مسئله تأکید داشته‌اند که شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بر عملکرد مصوبات و طرح‌های اجرایی به عنوان خروجی خود، نظارت داشته باشد.

وی خاطرنشان کرد: در حوزه مسائل قرآنی نیز شاهد هستیم که در شورای ترویج مباحث قرآنی و سلسله جلسات آن، روند منظمی در برگزاری حاکم نیست و اغلب بیشتر اعضای آن در این جلسات حضور پیدا نمی‌کنند؛ این در حالی است که قاطبه اعضای این شورا را وزرا و نمایندگان تشکیل می‌دهند که نقش مؤثری در حوزه اجرایی دارند. وی افزود: وقتی در گام‌های نخست، در تمامی حوزه‌ها به ویژه فعالیت‌های فرهنگی شاهد انقطاع مصوبات و قوانین وضع شده هستیم، مسلم است جریان‌سازی اقدامات فرهنگی محقق نمی‌شود و همین مسئله به نوبه خود سببم بالایی در حاشیه‌راندن فرهنگ و قرار گرفتن آن ذیل فعالیت‌های اقتصادی یا سیاسی دارد.

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۳۶

پروفیسور کارلو کوربوچی محقق مسلمان ایتالیایی:

تفرقه مسلمانان مهم‌ترین معضل جهان اسلام است



پروفیسور کارلو کوربوچی معاون سابق وزیر برنامه و بودجه ایتالیا که اخیراً به مذهب تشیع گرویده است حقوقدان سرشناسی است که به‌عنوان وکیل بین‌المللی برای دفاع از حقوق مسلمانان دنیا فعالیت مستمر دارد و تاکنون وکالت مسلمانان زیادی را در سر تاسر دنیا بر عهده گرفته است، برای همین تقریباً مسلمانان نقاط مختلف دنیا با نام پروفیسور کوربوچی آشنا هستند. وی نویسنده کتابی درباره آرای دادگاه‌های اروپا نسبت به مسلماتانی است که غیرمنصفانه متهم به عملیات تروریستی شده‌اند. کوربوچی همچنین از منتقدان سرسخت جهانی‌سازی است و مقالات متعددی هم در این زمینه تألیف کرده است. از جمله کتاب «تور بیسم اسلامی نیرنگ و تخریب» که مفصلاً به مبحث حقوق بین‌الملل و تروریست از جوانب مختلف پرداخته است. وی تنها به زبان ایتالیایی اشراف دارد. به همین خاطر کار ترجمه توسط سرکار خاتم امانی، مجری کارشناس رادیو ایتالیا انجام گرفته است.

■ ■ ■

از منظر شما در حاضرمهم‌ترین معضل جهان اسلام چیست؟

به اعتقاد من مهم‌ترین معضل جهان اسلام این است که مسلمانان با وجود کثرت و ظرفیت بالایی که در سرتاسر جهان دارند، متأسفانه هنوز دارای وفاق و اتحاد نیستند؛ چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اندیشه‌ای متفرق‌اند، البته اینجا تنها صحبت از مردم نیست بلکه باید دید حاکمان و دولت‌های ملل اسلامی چه کسانی هستند و چه خط‌مشی را دنبال می‌کنند و باید دید حکومت‌ها مردم را به چه ستمی هدایت می‌کنند.

از مواردی که شما خیلی نسبت به آن تأکید دارید، پروسه استعماری جهانی‌سازی است، شما چرا این پدیده را عامل مشکل‌زایی برای دنیای اسلام و مسلمانان می‌دانید؟

حادثه ۱۱ سپتامبر برنامه هدفمندی بود تا پناه‌های به دست استعمارگران بدهد برای دنبال کردن پروژه جهانی‌سازی و اینکه این پدیده استعماری را با جدیت و سرعت بیشتری دنبال کنند؛ البته این پروژه از قبل هم طراحی و تنظیم شده بود که در عرصه جهانی‌سازی سیاسی و فرهنگی فعالیت داشته باشند اما نه با این سرعت. همانطور که می‌دانید دگرترین جهانی‌سازی به معنای یکرسان‌سازی و یکدست کردن ملت‌هاست تا کم‌کم بستر ی مساعد برای نابود کردن هویت مذهبی و اسلامی مسلمانان ایجاد شود و از این طریق بتوانند راحت‌تر به‌بیشتر بر آنها مسلط شوند و به نیت خود دست یابند، من برای همین با آن به شدت مخالفم و همه جا به اعاد مردم می‌کنم.

رسانه‌ها برای تحریف و تحریک افکار عمومی نقش مهمی دارند و به نوعی جاده صاف‌کن این دگرترین غربی محسوب می‌شوند. نظر شما چیست؟

بله دقیقاً همین‌طور است که شما گفتید. اصولاً رسانه‌های غربی و امریکایی در خدمت برافزودن حس سرمایه‌داران حاکم هستند و برای آنها کار می‌کنند. آنها از این وسیله مهم و مؤثر؛ یعنی رسانه نهایت سوءاستفاده را کرده‌اند تا بتوانند پروژه‌های استعماری خودشان به خصوص جهانی‌سازی را کم‌کم پیاده‌سازی کنند و تنها اسلام مانع آنهاست که می‌خواهند از میان برداشته شود.

با توجه به اینکه شما خودتان مسلمان ایتالیایی هستید شنیده شده مسلمانان در ایتالیا تحت فشار هستند و آزادی عمل ندارند. این قضیه تا چه حد صحت دارد و چرا؟

معمولاً وقتی می‌خواهم از دولت‌انقلابی داشته‌باشم خیلی محکم هستم اما برای اینکه حق مطلب و صداقت را ادا کنم و منصفانه برخورد داشته‌باشم باید بگویم ایستور که بعضاً شنیده شده نیست. خیلی جاها مسلمان ایتالیایی آزادی عمل و فعالیت دینی انجام می‌دهند. شاید جاهایی کمبود و کاستی باشد که تصور می‌کنم خود مسلمانان آنطور که باید و شاید عمل نکرده‌اند و فعالیت نداشته‌اند.

در یک نگاه کلی به‌عنوان وکیل بین‌المللی، جو حقوق بین‌الملل در مورد مسلمانان و حقوق آنها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عقیده من امروز دیگر حقوق بین‌الملل برای هیچ انسانی در نظر گرفته نمی‌شود و این هم در راستای پروژه جهانی‌سازی امریکایی است زیرا قدرت در اختیار عده خیلی کم و الیت حاکم دنیاست و منافع آنها را تأمین می‌کند. اگر در مقابل اسلام مقاومت و عکس‌العمل شدیدی دارند برای این است که اسلام به عنوان یک واقعییتی شناسانده شده که مانع رسیدن به اهداف جهانی‌سازی آنها و به خصوص نابود کردن هویت فرهنگی انسان‌هاست به‌همین خاطر در مقابل اسلام به‌ویژه اسلام شیعی که روحیه مقاومت و جهاد دارد جبهه‌گیری می‌کنند. برای مثال نسبت به سیاهپوستان در حالت عادی جو بدبینی وجود دارد. حالا اگر این سیاهپوستان مسلمان باشد و شیعه، تصور کنید چقدر علیه آنها عمل می‌کنند و مراقشان هستند و آنها را تحت نظر دارند. مصداق بارز آن نوب هم مالکوم ایکس بود، یک جوان مبارز و انقلابی سیاه که وقتی دیدند مسلمان شیعه شده و می‌خواهد به ایران بیاید تا این روحیه را تقویت کند احساس خطر کردند و به طرز ناجوانمردانه‌ای او را به شهادت رساندند.

فراگیری‌ها از فرقه وهابیت حمایت و از طرف دیگر اسلام‌ستیزی می‌کنند و مانع فعالیت شیعیان می‌شوند؟

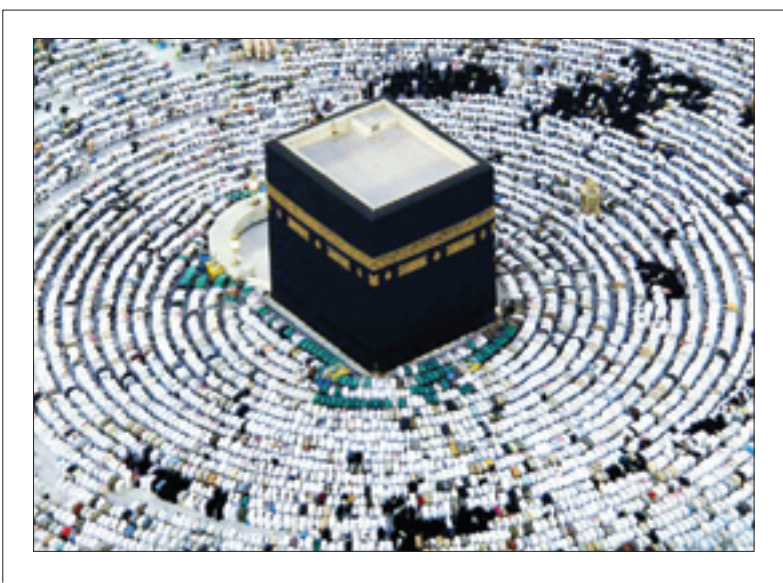
بله این یک پارادوکس آشکار است. غرب از وهابیت حمایت نمی‌کند بلکه آن را خلق کرده است؛ بنابراین فکر می‌کنید این جریان‌های جعلی و ساخته شده وهابی و سلفی کجا و چه چیزهایی را مورد هدف قرار داده‌اند! آنها میان مسلمانان اهل سنت، تصوف را و در میان اهل تشیع عقاید، افکار و اندیشه‌های شیعه را مورد حمله قرار داده‌اند زیرا می‌فانند این دو جریان اسلامی هدفمند و تأثیرگذار هستند. اصولاً برای غربی‌ها شیعه و سنی مطرح نیست؛ اساس اسلام اهمیت دارد که می‌خوانند از بین برد و حذف شود.

با توجه به سرمایه‌گذاری که برای این مسئله دارند به نظر شما موفق به تحریف و تخریب اسلام هم بوده‌اند؟

این فرقه‌ها با حمایت مالی عربستان، قطر و این کشورها به خوبی اربابان غربی خود را سرویس داده‌ند هرچند تا حدودی هم در این امر برای تحریف افکار عمومی علیه اسلام موفق بوده‌اند اما قدرت خدا بالاتر از اینهاست که بخوانند باعث



به اعتقاد من مهم‌ترین معضل جهان اسلام این است که مسلمانان با وجود کثرت و ظرفیت بالایی که در سرتاسر جهان دارند، متأسفانه هنوز دارای وفاق و اتحاد نیستند؛ چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اندیشه‌ای متفرق‌اند، البته اینجا تنها صحبت از مردم نیست بلکه باید دید حاکمان و دولت‌های ملل اسلامی چه کسانی هستند و چه خط‌مشی را دنبال می‌کنند و باید دید حکومت‌ها مردم را به چه ستمی هدایت می‌کنند



تخریف اسلام شوند و آن را از میان بردارند. اخیراً موج اسلام‌گرایی در غرب فزونی گرفته و به خصوص بین افراد فرهیخته و متفکر این رویه بیشتر از عوام وجود داشته، علت آن را در چه می‌دانید؟

علت اینکه چنین موجی در غرب به جریان افتاده، کسانی بودند که خودشان از مروجان و حامیان اسلام در غرب بودند؛ اندیشمندان بزرگی چون پروفیسور رنه گنون که در واقع روح واقعی اسلام را خیلی خوب به اروپایی‌ها معرفی کرد، آن هم خارج از قواعد و جهان‌بینی که وجود دارد و این باعث شد تا به مرور الینی از مسلمانان در غرب به وجود بیاید؛ از مسلمانانی که افراد عامی نبودند بلکه بیشتر شامل اندیشمندان و صاحبان فکر و اندیشه بودند و توانستند به عمق واقعیت موجود، فرای سیاه‌نمایی که غرب علیه اسلام را اداکنند دست یابند. یک جمله زیبا از پروفیسور رنه گنون است که می‌عیناً آن را بیان می‌کنم. او می‌گوید: «من سعی کردم سپری نفوذپذیر به طرفداران اسلام بدهم تا با داشتن این سیر محافظ، مانع نفوذ فرهنگ و اندیشه غربی شوند.» به اعتقاد من اگر کسی این سیر را در دست داشته باشد از افت‌های فرهنگ غربی و انسان مدرن در امان می‌ماند. حال‌این انسان مدرن هرچند فرقی نمی‌کند، مهم این سیر امن محافظ یعنی همان مبانی اسلام است که غرب آن را واهمه دارد.

به نظر شما چرا ادواردو آتیلیی کشته شد؟

من هم مثل شما شک خیلی قوی دارم که ادواردو کشته شده باشد. نمی‌توانم قطعاً چنین مسئله‌ای را قبول کنم چون من وکیل هستم و باید ادله حقوقی داشته‌باشم اما شک راس من‌گردد ادواردو طبیعی بوده باشد. او را کشته‌اند، علت آن هم بیشتر این است که وقتی یک نفر متعلق به خانواده بانفوذ بالای سیاسی و اجتماعی که وارث ثروت افسانه‌ای هم است، مسلمان شیعه بشود به طور حتم تمام منافع این خانواده برای او قطع می‌افتد؛ بنابراین می‌توانم به شما یادآوری کنم ماجرای ادواردو دو مانند قضیه دایانا ی انگلیس است که پسرش می‌توانست پادشاه شود اما او را کشتند. این اتفاقات در دنیا برای اولین‌بار نیست. خوب می‌دانند اگر مسلمانان در رأس دنیا قرار بگیرند و قدرت داشته باشند چه عواقبی برای آنها دارد و احساس خطر می‌کنند به همین خاطر به هر نوعی مانع می‌شوند.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

دین اسلام به خصوص مکتب تشیع دارای اصولی است که غرب دوست ندارد مسلمانان به آن دست یابند و از آن واهمه دارند زیرا کاملاً در تقابل دیدگاه مادی و دنیایی غربی‌هاست. ما با شهادتین گفتن در واقع به شهود الهی رسیدیم‌ای و شهود الهی یعنی شهادت دادن به عملکردی منطقی و عقلائی، در حالی که برای غرب کلمه ایمان موتور محرکه‌ای بدون منطق است که انسان را وادار می‌کند که از عالم مرگ بترسد و چنین ایمانی در فرهنگ غیرمذهبی غرب در مقایله با دیدگاه شناخت علمی جهان قرار دارد؛ بنابراین نباید از دشمنان اسلام و تحرکاتی که به اشکال مختلف راه می‌اندازند، واهمه داشته باشیم که غربی‌ها به ما بی‌منطق بگویند. ما کسانی هستیم که خدای بزرگ را داریم، خدایی که همه جاحی و حاضر است و این مهم‌ترین و بزرگ‌ترین چیزی است ما داریم اما غربی که مدعی منطق و عقلائی است آن را ندارد.



ستاره پینک فلوید:

اسرائیلی‌ها شبیه نازی‌ها هستند

«راجر واترز» خواننده و نوازنده پیشکسوت گروه پینک‌فلوید که پیش از این از موسیقیدانان سراسر جهان خواسته بود زیرمجمهونیستی را با یکوت فرهنگ کند، در اظهارات جدیدش اسرائیلی‌ها را با آلمان‌های نازی مقایسه کرد. «راجر واترز» که اخیراً به خاطر اظهارات ضدصهیونیستی خود در غرب جنجال برانگیز شده است، در مصاحبه اخیر خود با مجله «کانتر پانچ» گفت: رفتار اسرائیلی‌ها با فلسطینی‌ها با آنچه آلمان‌های نازی در دهه ۳۰ با یهودیان کردند و آن همه جنجال کرد، هیچ تفاوتی ندارد. اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها را حقیر می‌شمارند که این به شدت غیرانسانی است. وی افزود: هلو کاست یک جنایت بی‌رحمانه و تنفربرانگیز مافوق تصور ماست ولی باید بدانیم که ماهواره باید نسبت به جهان پیرامونمان هوشیار باشیم، ما هرگز نباید در برابر ظلم و ستمی که بر دیگران روا می‌شود، خداز و نژادپرستی و رنگ‌مذهبی آنها، ساکت بمانیم. واترز ۷۰ ساله که طی سال‌های اخیر از اجرای هرگونه برنامه در اسرائیل خودداری کرده در ادامه ضمن انتقاد از واشنگتن افزود: واشنگتن به شدت تحت تأثیر ماشین تبلیغاتی اسرائیل است. «واترز» اخیراً در کنسرت هایش، از خوک پادکنکی استفاده می‌کند که چند نماد از جمله نماد داوود تصویر شده و به خاطر این کار به شدت مورد انتقاد رسانه‌های غربی قرار گرفته است.

آنهایتا همتی با «شمعدانی‌ها» به صحنه می‌آید

ایوب آقاخانی نمایش «شمعدانی‌ها» را با بازی بازیگرانی همچون آهیتا همتی، فروغ قجارجلی، محسن رستگار و کوب خانیگردی در «تالار حافظ» به صحنه خواهد کرد. به گزارش ایسنا، این دومین نمایش گروه تئاتر «پوشه» است که با رویکرد طنز اجرائی می‌شود، این گروه پیش از این نمایش «هرمیه‌ای برای یک سکونز» را به عنوان اولین نمایش کمدی خود به صحنه برده بودند. به گفته آقاخانی طبق قراردادی که این گروه با «تالار حافظ» دارد، قرار است نمایش «شمعدانی‌ها» به‌همان‌اماسال بعد از برگزاری جشنواره تئاتر فجر در این تالار به صحنه برود و اجرائی آن تا پایان سال ادامه خواهد داشت. «شمعدانی‌ها» رویکرد کمیک‌ایوب آقاخانی به‌دغدغه‌ترک‌رشدن این چند ساله او یعنی مهاجرت، است.

نگارش «تلخ و شیرین» از نیمه گذشت

نگارش ۱۵ قسمت از مجموعه تلویزیونی «تلخ و شیرین» به تهیه‌کنندگی مهران رسام به پایان رسید.

مجموعه تلویزیونی «تلخ و شیرین» کاری از گروه فیلم و سریال شبکه سه سیماست که این روزها در مرحله نگارش قرار دارد. مسعود شاه‌محمدی نویسنده این سریال است و خود نیز کارگردانی آن را به عهده دارد. این سریال داستان پدری است که با زنی میانسال ازدواج کرده و سر او نیز دختر این زن را به عنوان همسر خود انتخاب کرده است و قصه کلی آن درباره زندگی این دو زوج است و گذشته از قصه اصلی داستان‌هایی فرعی نیز در طول سریال مطرح می‌شود. این سریال قالب اپیزودیک دارد و در ۲۶ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای روایت می‌شود.

جایزه «یوسف» و رفع مظلومیت شهید یوسف ملک‌شامران

داشت جشنواره می‌تواند جایگاه خوبی برای معرفی چهره‌های مستعد ادبیات داستانی دفاع مقدس باشد. وی گفت: شهید یوسف ملک‌شامران از بسیجی‌های نویسنده‌ای بود که از همان جوانی در جبهه حضور یافت و در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد. او به موازات حضور در جبهه نوشته‌هایی که بیشتر در حوزه کودک و نوجوان بودند را به جامعه عرضه کرد تا اینکه در عملیات بیت‌المقدس سال ۶۱ به شهادت رسید. این جشنواره برای تجلیل از این شهید نویسنده به نام او نامگذاری شد. رئیس سازمان هنری و ادبیات دفاع مقدس با بیان این مطلب که تلاش خواهیم کرد، سطلج جشنواره را افزایش دهیم گفت: تلاش این است که این جشنواره هر سال با به صورت دوساله‌انه ادامه پیدا کند و سطح علمی آن ارتقا یابد.

بابایی همچنین با اشاره به انتخاب رحیم مخدومی به عنوان دبیر علمی جشنواره و مشخص شدن سرداوران و داوران گفت: هفته آخر بهمن‌ماه اختتامیه ششمین دوره جشنواره را برگزار می‌کنیم و امیدواریم این جشنواره بتواند ادبیات دفاع مقدس را به جلو سوق داده و برای آینده این ادبیات نوعی سرمایه‌گذاری باشد. همچنین از رسانه‌ها خواستارم تا نسبت به پوشش این جشنواره اهتمام بیشتری داشته باشند.